

نوشته‌ی : دکتر ایرج تارا پوروان

فلسفه مذهب زرتشت

ترجمه‌ی : دکتر فرهاد آبادانی

اشوزرتشت ، پیغمبر ایران باستان ، در جهان باستان یونان و روم بنام یکی از بزرگترین دانشمندان و حکما شناخته شده بود و تا سال ۱۷۷۱ میلادی به همین عنوان ، در نوشته‌های مردمان اروپا ، از او یاد میشد .

در سال ۱۷۷۱ میلادی بود که برای نخستین بار ترجمه اوستا که بوسیله دانشمند فرانسوی بنام انکیتیل دوپرون Anquetil du Perron انجام شده بود در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفت. دو قرن از روزگار ترجمه مذکور میگذرد و در این مدت کارهای علمی بسیار و محققانه بوسیله دانشمندان مغرب‌زمین انجام شده . برخی از این دانشمندان تمام عمر را در کار تحقیق و تجسس در این زمینه بسر آورده و کارهای علمی و انتقادی ارزشمندی انجام داده‌اند .

برای ما لزومی ندارد که به بحث درباره‌ی زمان زرتشت بپردازیم. همین قدر کافی است تذکر داده شود که پیغمبر ایران با قدیمترین نویسندگان دوره «وداها» - کتاب مقدس هندوان - هم‌زمان بوده است . مسئله زمان آنقدرها مهم نیست بلکه آنچه قابل اهمیت است ، گفتار آسمانی پیغمبر ایران است که در زمانهای بسیار دور سروده شده و برای فرزندان آدمی بیادگار مانده است. پیامبر ایران باستان نخستین کسی است که درباره قانون تغییر ناپذیر «دشاه» سخن گفته است. او درباره قانون ابدی و ازلی «دشاه» که قانون زندگی،

باید گفت ، سخن بتفصیل گفته است . از ابتدای تاریخ تمدن تا آئین زمان کسی درباره قانون و شاه حرفی نزنده بود . پیام آسمانی پیامبر ایران خطاب با افراد معین و سرزمین مشخصی نیست . بلکه پیام اشوزرتشت خطاب به همه افراد انسانی است ، متعلق بهر زمان و هر مکان و هر آب و هوا که باشند . این پیام منحصرأ برای مردم ایران گفته نشده است . چنانکه در «های» ۳۰ بند ۲ - از اولین گاتها این طور آمده است : «بسخنان مهین گوش فرا دهید ، با اندیشه روشن بان بنگرید میان این دو آئین (دروغ و راستی) خود تمیز دهید پیش از آنکه روز واپسین فرا رسد ، هر کسی بشخصه دین خود اختیار کند ، بشود که در سرانجام کامروا گردیم . . .»

بجهت همین پیامهای آسمانی است که اشو زرتشت ، نه فقط در جهان باستان و در میان مردم کشورهای مختلف شهرت داشته است ، بلکه در این قرن بیستم نیز گفتارش تازگی خود را از دست نداده و میتواند در ردیف بهترین «فلسفه زندگی» باشد .

البته پیش از اشو زرتشت در جهان باستان ، بوده اند پیامبرانی که «قانون ابدی زندگی» را با افراد میآموخته اند اما آنچه و خشور ایران از آن گفتگو میکند با آنچه پیش از او گفته اند تفاوت زیادی دارد . همانطور که درباره زندگانی بسیاری از راهنمایان بشر اتفاق افتاده ، افراد آدمی زود آنها را وفداکاریشان را به بوبته فراموشی می سپارند . اغلب پیامبران بماراه و رسم نیکو زیستن و درست زیستن دمی آموزند . از همین جاست که بشر بتدریج بجاناب آداب و رسوم کشیده میشود . هر چه زمان میگردد و از آورنده دین دورتر میشویم ، گفتار و خشور که در ابتدا ساده و روشن و عملی است چنان دگرگون میشود و اطرافش را هاله تار فرا میکیرد که بازشناختنش از اصل دشوار است که نام آورنده دین با اشتیاق فراخوانده میشود . نتیجه این امر آن است که افراد آدمی نام پیامبر را بیاد میآورند اما پیام را فراموش میکنند . روز بروز بر - آداب و رسوم و فروع دین افزوه میشود و بدین وسیله دین را از سادگی اولیهایش دور میسازد . از این جاست که پیشوایان مذهبی راهی پرفایده تر برای زیستن مییابند . این دورنمایی از زندگی مردمان قبل از ظهور زرتشت ، در ایران

بود. این احوال که برای مردمان آن روزگار پیش آمده بود، تا قبل از ظهور اشوزرتشت ادامه داشت. مردمان پیش از زرتشت، دست توسل بدامن آفریده. های خداوند میبردند و هر گروه و دسته‌ای، یکی از مظاهر طبیعت دل بسته بودند. اشوزرتشت در نخستین قطعه گاتهای معنی «های» ۲۸ قطعه ۱- از اهورا. مزدا درخواست خشنودی مینماید و سخنانی باین شرح ادا میکند: «از پی ستایش خرد مقدس مزدا دستها را برای یاری خواستن بلند نموده، پیش از همه خواستارم ای اشاکه و هومن (اندیشه نیک) و روان آفرینش را از خود خشنود سازم.»

در قطعاتی که بدنبال این قطعه آورده شده، اشوزرتشت از اهورا مزدا درخواست مینماید که وی را در راه رسیدن بمقصود یار و مددکار باشد. در سراسر گاتها پیغمبر ایران با اهورا مزدا راز و نیاز دارد و او را آفریننده کل و دارنده و گرداننده کائنات میداند. گفتار اشوزرتشت باید درست ترجمه شود، تا همه بتوانند از گفتار و خشود ایران بهتر بهره گیرند. متأسفانه مترجمین و مفسرین اولیه، بخوبی از عهده ترجمه بر نیامده و نتوانسته‌اند گفتار زرتشت را بدرستی دریابند. هر کس بقدر فهم خود و بسلیقه خویش آن گفتار را ترجمه و تفسیر کرده است.

و خشود ایران در خانواده‌ای شریف و اصیل پای بمرصه وجود نهاد. پس از آنکه از سوی اهورا مزدا بر سالت برگزیده شد، مردم را به پرستش خدای یگانه دعوت فرمود. آنچه از سخنان و خشود ایران برجای مانده است، بنام پنج گاتها موجود و در دست است. نباید فراموش کرد که گاتها گفتاری است آسمانی و باید بادید معنوی بآن نگریم. چنانکه گفته‌اند: «گفتار دنیوی را باید بادید معنوی خواند، نه آنکه گفتار آسمانی را با دیدمادی». و خشود زرتشت بر علیه بت پرستی قیام نمود، خدای یگانه زرتشت بنام «اهورا مزدا» نامیده شد. واژه «اهورا مزدا» از دو جزء ترکیب شده است. جزء اول «اهورا» که بمعنی «سر، سرور، سردار، بزرگ، خواجه و خدایگان» است و جزء دوم «مزدا» بمعنی «دانا و بر همه چیز آگاه» است. واژه «اهورا»

مزدا ، رویه داناى كل يا داناى بزرگ يا سرور بر همه چيز آگاه است . خداى و خشور ايران شكل و فرمى ندارد ، بلکه نور مطلق است و با هيچ يك از اشياء محسوس شباهتى ندارد و غير محسوس است . آنچه سبب گمراهى بسيارى از كسانى كه در باره دين ايران باستان تحقيق نموده اند ، شده است اين است كه دين ايران قديم را دين «دوگانه پرستى» دانسته اند . اين اشتباه از آنجا ناشى ميشود كه نادانسته «اهورامزدا» را برابر «اهريمن» قرار داده اند در تمام گاتها هيچ گفتگوى از نزاع «اهورامزدا» و «اهريمن» درميان نيست . در سراسر گاتها «اهورا مزدا» يگانه آفريدگار جهان مادى و معنوى است و سرچشمه همه نيكيها و خوبىها است . در برابر او آفريدگار و يا فاعل شرى وجود ندارد . * انگره مينو و يا خرد خبيث كه بعدها بمرور ايام اهريمن شد ، وزشتىهاى جهانى از قبل اوست ، در برابر اهورامزدا نيست بلکه در مقابل «سپنتمانينو» است كه «خرد مقدس» باشد . جهان مادى آميخته است از بدى و خوبى ، سياهى در برابر سپيدى و تاريكى در مقابل روشنائى . در هر جاى گاتها كه گفتگو از «انگره مينو» در ميان است در برابر واژه « سپنتمانينو » آمده است نه در مقابل اهورا مزدا . چنانكه در پيمايى ۴۵ قطعه ۲- اين مطلب بطور آشكار آمده است .

بنابر تعليمات اشو زرتشت ، مركز جميع كائنات و مبدأ تمام موجودات اهورا مزداى قادر مطلق است . زرتشت پيروان خویش را براه راستى راهنمائى ميكند و ميفرمايد كه « راه در جهان يكي است و آن راه راستى است » .

برای کسانی که در درجه عالیتری از استعداد قرار گرفته اند ، زرتشت دستور کاملتری آورده است كه فهم آن برای كسانى كه از فلسفه مزدیسنا آگاه نباشند قدرى مشكل يا بهتر بگويم محال است و اين فلسفه شش امشاسپندان - يا جاودانى هاى - مقدس است كه راه سعادت واقعى را با افراد آدمى نشان ميدهد و بشاهراه حقيقت دلالت ميكند . بموجب تعاليم اشو زرتشت ، اهورامزداى

* - رجوع شود به گاتهای ترجمه پورداود ، بهمنی ۱۳۰۵ ، خورشیدی

یکتا دارای شش صفت است که آنرا امشاسپندان نام داده‌اند و بقرار زیرند :

اشاوهیشتا - راستی ، درستی و پیشرفت عالم کائنات .
 وهومنو - اندیشه نیک و نهاد پاک .
 هوخشتر - شهر یاری مقدس و سلطنت آسمانی .
 سپنتا آرمئیتی - عشق و محبت و تواضع و فرمانبرداری .
 هروتات - کمال در جهان مادی .
 امرتات - جاودانی و بی‌مرگی . **

هریک از افراد آدمی چه مرد چه زن، چه دولتمند و چه مستمند ، باید بکوشد که از این صفات ایزدی بهره‌ور گردد و آنرا در ضمیر خودش پرورش دهد این چنین شخصی در این جهان باوج کمال رسیده و در جهان دیگر رستگار خواهد شد .

بنابر آنچه در بالا گفته شد، اولین صفت اهورامزدا صفت «اشاوهیشتا» یا راستی و درستی و نیز قانون تغییر ناپذیر و پیشرفت عالم کائنات است . در حقیقت معنی نمو و ارتقاء موجودات و سیر کائنات بسوی کمال درواژه «اشاوهیشتا» جمع است . بعد از هزاران سال که از روز گاران اشو زرتشت میگذرد ، یکی از شعرای معروف انگلیسی بنام تنی سن Tennyson در یکی از اشعارش این فلسفه زرتشت را اینطور بیان می‌کند .

«خداوندی که جاودان و مهربان است» .

«یک خدا ، یک قانون ، یک عنصر»

«کسی که انتهای مقصد روحانی است» .

«کسی که جنبش همه موجودات بسوی اوست» .

پس بهره‌ای که میتوان از اشاوهیشتا داشت همان صفت راستی و درستی است . اشو زرتشت غالباً در کاتها مذهب خود را درین راستی میخواند چنانکه درهای ۴۹ قطعه ۳ میفرماید :

د ای مزدا پایه دین ما بروی راستی نهاده شده ، از این جهت سود بخش است .

«پایه مذهب غلط بروی دروغ قرار گرفته ، از این سبب زیان آورااست .
» برای این است که میخوامم مردم بمش پاك بگروند وهمه ارتباط خود را با دروغ پرستان قطع کنند.»

بسادرگاتها نام اهورامزدا با راستی باهم ذکر شده است . در یکی از نمازهای زرتشتیان که در هنگام سپیده دم و بوسیله هر زرتشتی برگزار میشود ، چنین آمده است .

« بوسیله راستی ، بوسیله بهترین راستی ، میخوامم ای اهورامزدا بتو نزدیک شوم . . . »

اشاوهریشتا که در پهلوی اشاوهریشت و در فارسی اردیبهشت میگوئیم بمعنی راستی و درستی است و در جهان مادی نکهیان آتش فرض شده است .

در هیچیک از اوستای باقیماند ، واژه آتربا آذر که بمعنی آتش است ، آتش ظاهری نیامده است بلکه منظور آتش درونی است ، که در قلب هر آدمی فروزان است . در گاتها باین مطلب اشاره شده است .

در اردیبهشت یشت آمده است که : «دروغ باید تباہ گردد ، دروغ باید سرنگون شود ، دروغ باید نابود گردد ، در جهان مادی باید راستی بر دروغ چیره گردد . نیروی راستی که در وجود ماست ، ما را از گجروی باز داشته و بسرمزل راستی رهبری خواهد نمود . این جای شگفت نیست زیرا راستی در خود ماست و این پرتو ایزدی در وجود ما ساکن است .

همین نیرو است که برونینگ Browning شاعر انگلیسی به آن اشاره کرده میگوید :

« راستی در ماست و از هیچگونه عوارض خارجی پنهان نخواهد گردید . در ضمیر ما مرکزی است که قوه راستی بطور کمال در آن محل جا دارد ؛ داناکسی است که بکوشد راهی بخارج یابد تا آن نور عظیمی که در وجود او پنهان است به بیرون بتابد و جهان را روشن سازد ، نه آنکه بکوشد تا از خارج روشنائی آورده و در ضمیر خود داخل نماید .*»

* - رجوع کنید بکتاب پرتوی از فلسفه ایران باستان ص ۱۰۳ -

۱۰۴ چاپ بمبئی ۱۳۱۱ شمسی .

نیز بکتاب «اخلاق ایران باستان» ص ۱۶-۲۰ چاپ بمبئی ۱۳۱۱ شمسی

دومین صفت ایزدی که هر کس باید از آن بهره مند باشد، صفت وهومن *Vohumana* است. وهومن در پهلوی وهمن یا وهومن و در فارسی بهمن شده است که بمعنی منش خوب و نیک است. وهومن در گاتها دارای مقام عالی و مقدسی است و در چندین قطعه گاتها این واژه آمده است. وهومن، در جهان بوحانی مظهر منش پاک و اندیشه نیک و حکمت و دانش است. در گاتها، اشو زرتشت بوسیله وهومن، از معرفت ایزدی بهره مند میگردد و خواستار است پیش از هر چیز وهومن و روان آفرینش را از خود خشنودگرداند. بسبب این تعلیم بزرگ، پرتو محبت و انوار حقیقت و صلح و سلامت در دل می تابد و انسان با راهنمایی حکمت و دانش بسر منزل سمادت ابدی هدایت میگردد. در گاتها که سخنان و خشور ایران است، چند فقره تاریخی مهم جالب توجه درباره عروسی «پوروچیست» دختر اشو زرتشت با «جاماسب» حکیم دیده میشود. در یکی از این قطعات عروس از اهورامزدا درخواست می نماید که نور و حقیقت و روشنایی ضمیر با و برسد و همچنین در آیه دیگر جاماسب بواسطه منش پاک ستوده شده. در آن هنگامی که اشو زرتشت مراسم زناشویی دخترش را بجای می آورد اگر چه خطاب بدخترش «پوروچیست» و دامادش «جاماسب حکیم» اندرز میگوید اما در حقیقت خطاب بهمه زنان و مردان است آنجاست که میفرماید:

«ای دختران شوی کننده و ای دامادان، اینک بیاموزم و آگاهتان سازم،
 «پندم را بخاطر خویش نقش بندید و بدلها بسپرید، با غیرت از بی،
 «زندگانی پاک منشی بکشید، هر یک از شما در کردار و گفتار و،
 «اندیشه نیک بدیگری سبقت جوید، و از این روز زندگانی، زندگانی،
 «خود را خوش و خرم سازد.»

این دو صفت ایزدی که راستی و منش پاک باشد، یگانه عامل قوی ترقی انفرادی و اجتماعی هیأت جامعه انسانی است و هنگامی که این دو صفت با تمام مزایای خود در انسان ظاهر گشته و اندیشه و گفتار و کردار آدمی برابر قوانین راستی و درستی از پرتو دانش منور گردد، آنگاه نتایج این دو قوه بزرگ به دیگران نیز اثر نموده و جهان را از اثرات خودآباد و جهانیان را شاد مینماید و بهشت با همه نعمت هایش در جهان خاکی آشکار میگردد. (نا تمام)